

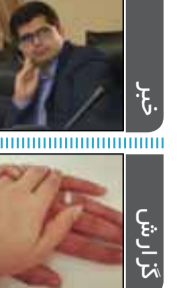
افکار



گرایش
۴ گریشبانگ
اولین جشنواره
دوبله فارس
۳ نیمه از دل مرگ
زندگی آورد



۳ ۹۰ درصد متهمان
مشروب جوانان و
نوجوانان هستند
۲ ازدواج خاکستری



سیر مقاله
« محمد خواجه پور مدیر رسانه های هفت برکه »

بازگشت به مهاجرت

حسن چهارمین دوست نزدیک من بود که در سال ۱۳۹۷ تصمیم گرفت یک بار دیگر آرزوهای خود را در بیرون از سرزمین مادری جستجو کند. ویژگی مشترک هر چهار نفر این بود که در سال‌های قبل یک بار بخت خود را در خارج از کشور جسته بودند و بعد تصمیم گرفتند برگردند و در همین گرایش کار کنند و حالا به بن بست رسیده بودند که چاره‌ای جز تن دادن مجدد به غربت برای آنان باقی نمانده بود. آن تصمیم به بازگشت در آن سال‌ها یک تصمیم سخت بود که حالا بعد از چند سال به یک گزینه اشتباه تبدیل شده است. اشتباهی که فرد چندان در آن مقصر نیست. اینجاست که امید رنگ می‌بازد و فرد قبل از بسته شدن آخرین روزنه‌ها به سمت فرار می‌رود.

وظیفه دولت و حکومت است که بهترین شرایط زندگی را برای مردم فراهم کنند حالا انجام این وظیفه از طریق اقدام انقلابی باشد یا مصالحه با دنیا تصمیمی است که باید حکومت بگیرد. چیزی که من به عنوان روزنامه‌نگار می‌بینم گریز است. روزی که دوستان من به هر علت تصمیم گرفتند به خانه برگردند با درک واقعیت‌ها امید کم‌رنگی داشتند که بتوانند به خود و شهر و کشورشان کمک کنند اما حالا که امید رنگ باخته است چاره‌ای به جز یک انتخاب سخت دیگر ندارند.

جایی که با همه خفت‌ها و سختی‌ها فرد از نظر اقتصادی دارای اطمینان نسبی است. می‌تواند برنامه بریزد که با تلاش بیشتر وضعیت خود را سامان خواهد داد. شاید ما یک ذره خوش‌شانس‌تر هستیم که این روزنه تنگ کار در خارج از کشور به روی ما کاملاً بسته نشده است. اما همین روزنه هم من را اندوهگین‌تر می‌کند که جوانان ما به جای دیدن فرزند خود در خانه خود باید چشم به بیرون داشته باشند که چه شود و چه بگذرد. در کنار آن به میلیون‌ها هموطنی فکر می‌کنم که از همین روزنه کوچک محروم هستند و مجبورند پنجه در پنجه مشکلات بیابان‌زاد و حتی گاهی در تنش‌های اقتصادی به جای مرزهای جغرافیایی مرزهای اخلاقی را زیر پا بگذارند.

ادامه در صفحه ۴



زور آزمایی شهرک آزادگان با وعده‌ها

فاطمه یوسفی؛ اهالی شهرک آزادگان با تجمع اعتراضی در مقابل شهرداری، شهردار را به زورآباد یا همان شهرک آزادگان کشاندند. شهردار در بین این جمع معترض، مردم را بار دیگر به صبوری دعوت کرد و قول داد که در تاریخ ۱۱/۱۱ عملیات عمرانی این شهرک آغاز شود و تا شش ماه دیگر به اتمام برسد.

مردم این شهرک پیش از این نیز با مراجعه به شورای شهر، شهرداری، فرمانداری، راه و شهرسازی و دیگر ارگان‌های مرتبط، خواستار حل مشکلات این شهرک بودند. این چهارمین گزارش مفصل ما از وضعیت این محله محروم است.

حل نشدن مشکلات این شهرک و ناامیدی اهالی شهرک آزادگان از قول‌ها و وعده‌ها باعث شد ۲۴ دی ماه ۹۷، معترضان این بار تجمع آرامی در شهرداری داشته باشند و اعتراض خود را به گوش شهردار و مسئولین برسانند. این تجمع با نظارت نامحسوس نیروهای امنیتی برگزار شد، و باعث شد خدائشان، شهردار گرایش، ساختمان شهرداری را ترک کند و همراه با اهالی شهرک از این منطقه بازدید و به صورت رو در رو به درددل‌ها و مشکلات مردم گوش کند.

ادامه در صفحه ۲

آخرین داستان عبدالوهاب

عبدالوهاب نظری، صبح ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۷، بعد از یک دوره طولانی مبارزه با بیماری، در بندرعباس درگذشت. کاش علاوه بر یک مجموعه داستانی که چاپ کرد، و ویلچر نوشت‌هایی که در کانال تلگرامی‌اش منتشر می‌کرد، صداهای بیشتری از خودش به یادگار گذاشته باشد.

عبدالوهاب نظری متولد ۱۳۴۳ از پدری گراشی و مادری لاری بود. او دوره‌ی تحصیل خود را در بندرعباس گذراند و آنجا به خانه‌ی دومش بدل شد. در ۱۲ سالگی، به عارضه‌ای دچار شد که معلولیت دائم او از ناحیه نخاع و وابستگی همیشگی‌اش به ویلچر را به دنبال داشت. «ویلچر نوشت‌ها» از دل همین وابستگی بیرون آمد؛ داستانی‌هایی به شدت شخصی، با طنزی عجیب و تاثیرگذار، که روایت تجربه‌ها و دریافت‌های یک نویسنده معلول از معلولیت خودش بود.

اما بی‌انصافی است که عبدالوهاب را به ویلچر نوشت‌هایش محدود کرد. به نوشته‌ی ایسنا، او فعالیت حرفه‌ای در ادبیات را از سال ۸۵ آغاز کرد و برگزیده شدن در جشنواره استانی «چی‌چی‌کا» یکی از اولین موفقیت‌هایش در این زمینه بود. مجموعه داستان «خسته‌ام، فقط همین» یکی از آثار منتشر شده عبدالوهاب نظری است که سال ۹۳ توسط نشر افکار به چاپ رسید. علاوه بر آن کتاب «بالش ابری» هم دیگر مجموعه داستان اوست که قرار بوده از سوی نشر نیماژ منتشر شود.



((يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ))

بازگشت همه به نور اوست

با نهایت احترام و رعایت ادب و در کمال تواضع و ارادت، بدین وسیله مراتب قدر دانی و تشکر خود را از یکایک سروران، همشهریان عزیز، دوستان، آشنایان، بستگان، مسئولان، رؤسا و کارکنان ادارات، ارگانها و نهادها و روحانیون ارجمندی که در مراسم تشییع، تدفین، مجالس تحریم و یادبود شادروان

حاج رضا بهادر

حضورا یا با تماس تلفنی و پارچه نوشته از شهرها و کشورهای دور و نزدیک ما را مرهون الطاف خود قرار داده و با ابراز همدردی موجب تسلی خاطرمان شدند صمیمانه تقدیر و سپاسگزاری می‌نماییم. خداوند بزرگ اموات همه شما سروران را قرین رحمت قرار داده و از درگاهش عمری طولانی و با عزت برایتان مسئلت دارم.

خانواده‌های: بهادر، زمانی، غفاری، محسنی، جعفری، نجاتی، خواجه گراشی، سعدالهی، سبزواری، پورشمسی، مظفری فرد و وقار فرد

یادداشت

فاطمه یوسفی

شورای شهرستان: ۱۴ ماه، یک جلسه بازوی به خواب رفته

۱۴ ماه از انتخابات شوروی شهرستان می گذرد. خبر برگزاری انتخابات برای انتخاب اعضا، تنها خبری است که در طول این مدت به مردم گزارش شده است. اما چرا هیچ گزارشی از جلسات بعدی و مصوبات آن منتشر نشده است؟

بر اساس ماده ۱۹ آیین نامه داخلی شوروی شهرستان ها، جلسات عادی شورا حداقل هر ماه یکبار تشکیل خواهد شد. و بر اساس ماده ۵ همین آیین نامه، مصوبات شورا که عمومی بودن آن به تصویب شورا رسیده باشد، باید به نحو مقتضی به اطلاع عموم برسد. بر این اساس، باید تاکنون حداقل ۱۴ جلسه شوروی شهرستان گراش تشکیل شده باشد و مصوبات آن نیز اعلام شود.

در اولین و آخرین جلسه شورا که ۶ آبان ماه ۱۳۹۶ برگزار شد (خبر در گریشنا، نعمت الله خرم از فداغ به عنوان رئیس شوروی شهرستان، محمدرضا زنجیر از ارد به عنوان نائب رئیس، اسماعیل اسدی از خلیلی به عنوان منشی انتخاب شدند. علی اصغر حسینی و اکبر باقرزاده از گراش دیگر اعضای شوروی شهرستان هستند. در این جلسه علی اصغر حسینی به عنوان نماینده شوروی شهرستان در شوروی اسلامی استان فارس انتخاب شد.

خرم، عضو شوروی فداغ و رئیس شوروی شهرستان گراش، برای جواب دادن به این سوال چند روز ما را منتظر گذاشت و در تماس آخری که با او داشتیم، گفت: «حتما اطلاعات را در اختیار شما قرار می دهیم، اما امروز مشغله هایم زیاد است و فعلا وقت ندارم اطلاعاتی در مورد برگزاری جلسات شورا بدهم. آن ساله فردا یا چند روز بعد».

اما در تماسی که قبل از آن با او داشتیم این توضیح کوتاه را می دهیم: «تغییراتی در شورا باعث شد جلسات به صورت منظم برگزار نشود». تغییرات مورد نظر رئیس شورا مربوط به ارد است. با شهر شدن ارد یک عضو جدید به شوروی شهرستان اضافه می شود و این نشان می دهد که در یک سال گذشته که ارد به شهر ارتقا یافته شوروی شهرستان هیچ جلسهای نداشته است.

«شوروی شهرستان چند بار تشکیل جلسه داده است؟» حتی فرمانداری گراش به عنوان نهاد بالادستی نیز دقیقا از این موضوع مطلع نیست. کارشناس شورا در فرمانداری می گوید: «قرار است تغییراتی در شوروی شهرستان ایجاد شود. پیشنهاد می کنم شما فعلا خبر آن را کار نکنید تا وضعیت سروسامان بگیرد».

سروسامان گرفتن وضعیت، هدف ایده آلی است که همه می مسئولین آن را دنبال می کنند و سهم مردم در این میان بیشتر اوقات انتظار است، اما این که این انتظار به سمت خوش بینی سوق پیدا کند یا به سمت بدبینی را تصمیم ها، عملکردها و نتایج تعیین می کنند.

با توجه به این که در شوروی شهرستان نمایندگان شوروی شهر با نمایندگان شوروی بخش و روستا در ارتباط هستند، جلسات شورا می تواند ظرفیت خوبی برای ایجاد و گسترش تعاون و همدمی، توزیع عادلانه منابع، داشتن دید جامع از مشکلات کل شهرستان در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و رفع آن، تسریع انجام پروژه ها و... فراهم کند.

ضعف و عدم برگزاری جلسات منظم شوروی شهرستان حتی اگر تبعات منفی نداشته باشد، شهرستان ما را از داشتن امتیازهای زیادی محروم می کند؛ امتیازهایی که یکی از کمترین ثمره های آن، وحدت است. در جهت دهی انتخابات مجلس نیز شوروی شهرستان به عنوان نمایندگان بخش های مختلف شهرستان می تواند حضور و نقش غیر رسمی داشته باشد.

در دوره های گذشته نیز شوروی شهرستان حضور چشم گیری در فضای مدیریتی شهرستان گراش نداشت، اما این دوره همان حضور کم رنگ نیز از بین رفته است. اگر شوروی شهرستان گراش را با شوراهای شهرستان همجوار مانند لارستان مقایسه کنیم، این فعالیت کم، بهتر منحص می شود.

محل شوروی شهرستان لارستان مشخص است و جلسات آن به صورت منظم و ماهیانه برگزار می شود. هر کدام از جلسات با دعوت از خبرنگاران و یکی از مسئولین شهرستان برگزار می شود. در مسائل مهم منطقه ای نیز شوروی شهرستان با انتشار بیانیه اعلام نظر می کند. اما تنها خبر از شوروی شهرستان گراش، همان خبر ناقص ۱۴ ماه پیش است. شورایی که می تواند یک بازوی قوی باشد، اما این بازو موقتا به خواب رفته است.

این بار شما پلیس باشید
۱۹۷
شهروندان عزیز می توانند با تلفن ۱۹۷ مراتب تقدیر، انتقاد، پیشنهاد و شکایت خود را در خصوص عملکرد نیروی انتظامی به دفتر نظارت همگانی ناجا اعلام نمایند.

عکس خبر



دستگیری سارق وسایل و لوازم خودرو



برگزاری همایش تقریب مذاهب اسلامی در گراش - عکس: مجید افشار



تولار و پارچه نوسه با مسجون «تا لار استان نشود» هیچ بخشی شهرستان نشود - آفتاب لارستان



کنگرانی مدرسه حسینی و علینور و افتتاح مدرسه علمیه - عکس: آموزش و پرورش

گزارش اول

ادامه از صفحه یک

اعتراض ها شهردار را به زورآباد کشاند

زورآزمایی شهرک آزادگان با وعده ها



شهردار؟»

مرور و رفت و آمد خیلی مشکل دارند. از دو شوروی قبلی همین طور می آیند و به ما قول می دهند، قانلی و زارع، دو شهردار قبلی، آمدند بازدید کردند ولی فایده ای ندارد. سال ۸۸ آورد هزینه کردند و با توجه به هزینه تفکیک و اجازه کار و... تقریبا دو میلیارد و خرده ای از مردم پول جمع کردند. این همه پول جمع کردند ولی یک امکاناتی نیاروند. از لحاظ اجازه کار هنوز مشکل حل نشده است. قرار شد پایان سال ۹۶ مشکل حل شود الان نزدیک به سال ۹۸ هستیم و دو سال است که پیگیری های ما و قول های آن ها بی نتیجه است. ما پرونده هم تشکیل دادیم در شهرداری و راه و شهرسازی گراش. پرونده ما از دادگاه می آورند که بیاید دادگاه. مگر ما بیگار هستیم؟ به ما می گویند خانه مال شما نیست و مربوط به مسکن و شهرسازی است و سند را به اسم شما نمی کنیم».

یکی دیگر از افراد حاضر در این جمع اعتراضی می گوید: «ما چند بار آمدیم ولی هیچ کسی پیگیری نکرد. من روز باری آمدم شهرداری که بیایند وضعیت کوچه را ببینند ولی هیچ کسی مراجعه نکرد. ما زنگ زدیم آتش نشانی و در ایام بارندگی، خودرو خود آتش نشانی هم در کل گیر کرد. ما دست بردار نیستیم. تا زمانی که به مشکلات این محله رسیدگی نشود، ما روزانه می آییم جلو شهرداری جمع می شویم. از طرفی هیچ کدام از کوچه ها نامگذاری نشده اند».

فقط به ما قول می دهند

مصطفی پرچمی، از دیگر اهالی شهرک آزادگان، اعتراض را این طور بیان می کند: «نه زیرسازی داریم و نه تلفن. بعضی قسمت ها حتی آب و برق ندارند. مردم کل شهرک برای عبور

گفتگو

زینب قاسمی

می کنید فقط محله شما مشکل دارد. من دارم با منطق صحبت می کنم. من تمرکز را می گذارم روی جدول گذاری و پروژه را شروع می کنم، ولی با صبوری. من می گویم تعهدات دیگران هم برای ما قابل احترام است. اگر تعهدی دادند و اگر واقعا این طور بوده، برای من قابل احترام است. ولی باید بگذارد و مهلت بدهد تا برنامه ریزی کنیم. ما اول باید کارهای کلان شهر را راه بیاندازیم. ما هنوز قرارداد فضای سبز که کنترل کننده تامین آکسیژن شهر است چند باید بهش بدهم؟ ماهی ۳۰۰ میلیون، فقط تامین سرانه ای فضای سبز دارد. پسماند من ۲۰ روز است که تمدید کردم. یعنی هر یک ماه ۳۵۰ میلیون و برای این دو طرح ۶۵۰ میلیون در طول یک ماه. این شهر مگر چقدر درآمد دارد؟ باز هم به دیده منت. ما خواستیم کارهایی انجام دهیم. از فرمانداری قول گرفتیم که اعتباراتی به ما بدهند. آقای فرماندار هم قول به ما دادند. ولی با صبوری. مقایسه های پتان مانها باشد نه دیروز نسبت به امروز. شما بیایید نسبت به سه ماه پیش مقایسه کنید. چرا آن موقع ها هیچی نمی گفتید؟

یکی از اهالی در جواب به شهردار گفت: «سه ماه پیش می آمدیم ولی می گفتند شهردار نداریم. می گفتند صبر کنید تا شهردار بیاید. شوروی شهر هم حرف می زند اما عمل نمی کنند. یک سال پیش هم به ما قول دادند. ما مردم این محله ۱۲ سال است که با این مشکلات دست و پنجه نرم می کنیم. شما به ما می گوید صبور باشنید، ۱۲ سال صبوری کم است آقای

شهردار: کمی صبوری لازم است

خداشناس، شهردار گراش، درد دل های مردم را که شنید، گفت: «شما فکر

شهردار: طی شش ماه مشکلات عمده برطرف می شود
شهردار با این جمله که من نماینده شوروی هستم، جواب داد: «پس نسبت به پارسل مقایسه کنید. خدا شاهد است که الان نقطه به نقطه شهرتان دارد فعالیت می شود. آزادی داریم فعالیت می کنیم، فلسطین داریم کار می کنیم. کربلا را تازه شروع کردیم. هم زمان چندین فعالیت در شهر در حال انجام است. بایستی کمی به ما مجال بدهید. از ۱۱/۱۱ عملیات عمرانی شهرک آزادگان شروع می شود و تعهد می دهم طی شش ماه مشکلات عمده کار برطرف شود. نه تنها این شهرک، که کل شهرک ها. هر شهرداری قول داده من به دیده منت قبول می کنم. ولی آدم باصوری فرعی به عهده مالکین است.»

تعهد به وجود آمده. شما بیایید و سه ماه دیگر ببینید چه اتفاقاتی افتاده است. البته این را باید اضافه کنم که بهسازی و اسفالت خیابان های اصلی به عهده شهرداری است. اما خیابان فرعی به عهده مالکین است. آقای مسلمانی نماینده مردم در شهرک آزادگان می گوید: «به مردم می گویند اصلا مراجعه نکنید و فقط دو نماینده از طرف خودتان بفرستید. پیگیری من و آقای جلوداد آزاد هم نتیجه ای نداده است. مردم همیشه می آیند پشت در خانه مان و مشکلاتشان را می گویند، ولی دیگر خسته شده اند و می گویند شما کاری برای محله انجام نمی دهید، از حالا به بعد خودمان مستقیم به مسئولین مراجعه می کنیم. شوروی شهر چند ماه قبل به مسجد محله آمدند و مشکلات مردم را شنیدند و قول دادند برای حل مشکلات اقدام کنند. اما حتی یک کوچه را خیابان هم بعد از آن اسفالت و بهسازی نکرد. همین امروز نیز چند بار با آقای خورشیدی تماس گرفتیم ولی جواب تلفن ندادند.»

مسلمانی در مورد صدور اسناد مالکیت این منطقه گفت: «از لحاظ مشکلات حقوقی مالکیت سند زمین با مراجعه ای ما به اداره مسکن و شهرسازی استان فارس و بازدید بازرسین مشکل تقریبا حل شد و به مردم واگذار کردند. ولی هنوز افرادی که به دنبال ساختن خانه در زمین خود هستند، برای صدور اجازه کار مشکل دارند و این مشکل زمانی که مراحل اداری و قانونی این موضوع در استان طی نشود، ادامه خواهد داشت. ولی مسکن و شهرسازی قول داده که این مشکل را حل خواهد کرد. در حال حاضر نداشتن اسفالت، تلفن، برق، گاز از مهم ترین مشکلات این منطقه است که مردم خواستار و پیگیر رفع آن هستند.»

زنگ ورزش

پرواز نوجوانان هلال احمر بر فراز فوتبال فارس



نوجوانان هلال احمر با پیروزی در ضربات پنالتی، جام قهرمانی لیگ برتر نوجوانان فارس را به دست آوردند و راهی مسابقات کشوری شدند.

به گزارش گریشنا، در یک هوای مطبوع زمستانی ورزشگاه شهدای اوز پنجشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۷ میزبان دو رقیب همیشگی در فوتبال پایه فارس بود. هلال احمر گراش و شهید چمران لار بعد از دو بازی دو مرحله گروهی، در فینال یک بار دیگر رودرو قرار گرفتند.

تماشاگران زیادی از گراش و لار برای دیدن این بازی به اوز آمده بود و در جایگاه ورزشگاه نیز مسئولان و تعداد زیادی از پیشکسوتان ورزش گراش، لار و اوز حضور داشتند. استقبال و تشویق هواداران یکی از روزهای شلوغ ورزشگاه هلال احمر را رقم زد. سرخوشان هلال احمر در این بازی با ترکیب آرین کریم پور، علی محمد روستا، محمدامین عالی زاده، حمیدرضا پاکسرت، سلیمان ظریف، سعید ملایی، محمد رسول صدیقی، عرفان طالبی، حسین شیرشمسی و صادق ظرافت بازی را آغاز کرد. محمدرحسن امیدی، مرتضی باقری، ایمان ابراهیمی، آرمان هنرور، خالد فرهادی، محمدحسین جوشن، بنیامین حسینی روی نیکمت بودند. مهدی ابراهیمی به عنوان مربی و هاشم محمودی به عنوان سرپرست این تیم را هداست می کردند.



بازی با ده دقیقه تاخیر ساعت ۱۴ و ۱۰ دقیقه آغاز شد. بعد از موج اولیه حملات دو تیم، هلال احمر به تدریج به بازی مسلط شد. دقیقه ۴۰ شوت صادق صادات از پشت محوطه جریمه به تیرک دروازه شهید چمران خورد تا بهترین موقعیت هلال احمر از دست برود. یک تعویض ناخواسته در همان نیمه اول کار را برای هلال احمر سخت تر کرد، دو تیم که شناخت کاملی از یکدیگر داشتند به خوبی توانسته بودند مهره های شاخص یکدیگر را خشنی کنند.

نیمه دوم با فشار هلال احمر آغاز شد. اما این تیم نتوانست از سه کرنر پیاپی به نتیجه برسد. دو تیم حملات پرانگه ای روی دروازه یکدیگر داشتند که بیشتر آن ها از روی ضربات شروع مجدد بود. حساس ترین موقعیت بازی در نیمه دوم را سعید ملایی با نفوذ از چپ به داخل محوطه جریمه به دست آورد. اما ضربات نهایی او به جایی رفت که دروازه بان شهید چمران ایستاده بود. با نزدیک شدن به دقایق پایانی، فشار بازی و مصدومیت زیاد بازیکنان باعث شده بود بازی از رمق بیافتد. به ویژه مصدومیت صادق صادات مهاجم هدف هلال احمر، باعث شد ۱۵ دقیقه پایانی بازی زهر خط حمله این تیم گرفته شود.

سرنوشت قهرمان سال ۹۷ فوتبال نوجوانان فارس به ضربات پنالتی کشیده شد. در ضربات پنالتی آرین کریم پور با مهار دو پنالتی روز درخشانی داشت. کریم پور پنالتی اول و پنجم تیم شهید چمران را مهار کرد و یک پنالتی دیگر این تیم نیز به بیرون رفت. بازیکنان هلال احمر نیز دو پنالتی را از دست دادند تا در نهایت با پیروزی ۳-۲ در ضربات پنالتی هلال احمر یک بار دیگر قهرمان فوتبال فارس شود.

مسابقات لیگ برتر نوجوانان استان فارس در سال ۹۷ با شرکت ۱۲ تیم و در دو گروه شش تیمی با انجام ۶۰ مسابقه برگزار شد.

این دوره از مسابقات از اوایل مهر ماه آغاز شد. در پایان دور مقدماتی از گروه اول، تیم سرباز کارزون به عنوان تیم اول و پیام شیراز به عنوان تیم دوم از گروه دوم تیم شهید چمران لارستان به عنوان تیم اول و هلال احمر گراش به عنوان تیم دوم به مرحله نیمه نهایی راه یافتند. هلال احمر در کارزون دو بر یک پیروز شد و شهید چمران سه بر یک در لار، پیام شیراز را شکست داد.

نوجوانان هلال احمر پیش از این در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ دو بار پیاپی قهرمان لیگ برتر نوجوانان فارس شده بود. با این قهرمانی نوجوانان هلال احمر پرافتخارترین تیم لیگ برتر نوجوانان فارس شدند.

در مراسم اختتامیه، شهردار اوز در حضور جمعی از پیشکسوتان فوتبال گراش، لار و اوز جام قهرمانی را به نوجوانان هلال احمر اهدا کرد. صادق ظرافت بازیکن شماره ۷۷ هلال احمر نیز با ۱۳ گل زده عنوان آقای گلی رقابتها را نیز به دست آورد.

فاطمه زمانی از عشق خود به اتومبیل رانی می گوید

بانوی سرعت



تومان هزینه بر بود. ششصد هزار تومان هم هزینه ریمپ و شمع سوزنی و... کردم.
چه کسی در این عرصه کمکتان کرد؟
آیا کسی با حضور شما در این عرصه مخالف بود؟
مسئله خانواده ها در گراش زیاد موافق این رشته ها به خصوص برای خانم ها نیستند. و نگرانی آن ها از لحاظ خطراتی است که برای شخص وجود دارد و آسیبی که به خودرو

است و گرنه مسابقات به طور جداگانه انجام می شود.

چرا استقبال بانوان در رشته اتومبیل رانی سرعت کم است؟
چون یک رشته نوپا برای خانم ها است و هنوز میان مردم جایگاه مناسبی پیدا نکرده است. و این موضوع در منطقه ای ما بیشتر صدق می کند.

چه از اتومبیل رانی سرعت چه کسی را قبول دارید و او را الگو قرار دادید؟
افراد زیادی در سرعت کارشان عالی است اما الگوی من استادام هست و هر چی از رانندگی می دانم را مدیون او هستم.

چه برند خودروی رو می پسندید؟
بوگاتی جی تی

چه خاطره ی شیرینی از اتومبیل رانی و سرعت دارید؟

قهرمانی در مسابقات خرداد ماه برایم بهترین خاطره شد با توجه به این که اولین تجربه ام بود.

تا کجا سرعت را ادامه می دهید؟
تا همیشه! تا رسیدن به مرحله قهرمانی کشوری و جهانی

مشکلات بانوان در این رشته ی مردانه چیست؟
به نظر من مشکلی نیست چون کلاس بانوان و آقایان جدا است. من عضو تیم لار هستم که تیم بسیار قوی و خوبی هست و فقط تمریناتمان هم زمان با تمرینات آقایان

ازدواج خاکستری

شاید درباره ازدواج سفید شنیده باشید اما اینجا قضیه برعکس است، بار اولی که دوستم از ازدواج صوری گفت فکر نکردم این طور چیزی وجود داشته باشد. بیشتر به یک بازی شبیه بود این که دو نفر ازدواج کنند اما ازدواجشان با هدف زندگی نکردن یا یکدیگر باشد. اما وقتی برای تهیه گزارش با چند دختر که این تجربه را از سر گذرانده بودند روبه رو شده فهمیدم زیر پوست شهر داستان‌های ناشنیده‌ای است که خیلی از ما از آن بی‌خبریم.

تلاش من برای گفتگو با دو نفر از دختران که ازدواج صوری داشتند بی‌نتیجه بود. سرانجام فاطمه راضی شد که درباره ازدواج صوری صحبت کند. او تا ۱۸ سالگی دو بار تا پای نامزدی صوری رفته است و هنوز هم به ازدواج صوری به عنوان یک گزینه فکر می‌کند. ازدواج که می‌توان آن را ازدواج خاکستری نامید، ازدواجی بدون احساسات. این گزارش را از زبان این دختر گراشی بخوانید:

من یک دختر گراشیم. ۱۸ ساله. با یک خانواده پنج نفره سنتی دو آتش. طبق قوانین و عرف شهر، یک دختر باید در سن کم نامزدی یا ازدواج کند. حق انتخاب پوشش، انتخاب دوست، انتخاب راه و روش زندگی شخصی خودش را هم ندارد. این موضوع را هم باید بگویم که خواستگار دارم اما قصد و میلی به ازدواج ندارم. چون برای ازدواج فرصت هست و من باید بپذیرم که شوم و کلی چیز یاد بگیرم و تجربه کسب کنم. می‌توانستم از خواستگارانم برای این هدف استفاده کنم اما نمی‌خواستم کسی را بازی بدم. این‌ها با هدف زندگی و ازدواج می‌آمدند و کار درستی نبود. درست است که دارم خانواده خودم را بازی می‌دهم ولی این قضیه‌اش فرق می‌کند و خودشان خواستند و مجبور به این کار کردند.

خانواده‌ی من بر این باور هستند که نمی‌توانم به تنهایی و در دوران مجردی به خواسته‌هایم برسم اما حدس بزنید دلیل آن چیست؟ دلیل‌شان این است که من یک دخترم. و یک دختر حتما باید یک پشتیبانی داشته باشد چون خودش از پس مشکلاتش بر نمی‌آید. مثلا برای من عاشق تحصیل، شرط تحصیل، ازدواج است. تازه آن هم به شرط موافقت همسر و دقیقا در شهر یا رشته‌ای که خانواده یا همسر مصلحت ببینند. این‌ها فکر می‌کنند همسر یک غول چراغ جادو است که با آن می‌شود حتی به خواسته‌ها و اهداف کوچک که به تنهایی قابل حل است هم رسید. پس ابر کنیز مجبور شده‌تن به تصمیمی بدهم که چند مدتی بود به ذهنم رسیده بود. نامزدی صوری.

با این کار می‌توانستم خیال خانواده‌ام را از بابت داشتن نامزد و این مسائل راحت کنم و راحت‌تر به خواسته‌هایم برسم. و طبق توافق بعد از طی کردن یک دوره که همه چیز آرام شد و فشار خانواده کمتر، از هم جدا شویم. البته از این که خانواده‌ام این موضوع را بفهمند هم می‌ترسیدم بارها وقتی به عکس‌العمل خانواده‌ام فکر کردم از این کار منصرف شدم.

بعد از قطعی شدن تصمیم سعی کردم با چند نفر از دوستان نزدیکم مشورت کنم و از آن‌ها کمک بخواهم که تازه دستم آمد من اولین نفری نیستم که این تصمیم را می‌گیرم و قبل از من هم کسانی به این موضوع فکر و حتی آن را عملی هم کرده‌اند.

وقتی دوستم از تصمیم باخبر شد، با تندی با من برخورد کرد و گفت: «این کار را نکن. کسانی که این کار را کردند شرمناک هستند و می‌گویند کاش این کار را انجام ندهد بودیم». از او پرسیدم از چه جهت پشیمان؟ یعنی به چیزایی که خواسته بودند از او اول شرط کرده بودند نرسیدند؟

گفت: «نه. بحث چیز دیگری است. مثلا یک مورد را سراغ دارم که قرار بود ازدواجشان صوری باشد اما قضیه جدی شد و آخر سر هم به ازدواج ختم شد. تا این‌جا زیاد هم برای او بد نشد اما بدی ماجرا این است که او باید بارها سرکوفت بخورد و بشنود که تو امکان داشت با هر کسی غیر از من ازدواج کنی و از این حرف‌ها»

بعد از چند مدت که فشار خانواده بیشتر شد، من به دوستی که در دنیای مجازی با هم آشنا شده بودیم پیشنهاد ازدواج صوری را مطرح کردم. اگرچه شناختی کمی از او داشتم ولی خوب او قبول کرد و از من می‌خواست که به حرف‌هایش گوش کنم اما باید در مورد گزینه‌های توافقی با هم صحبت می‌کردیم. شرط ما این شد در صورت به نتیجه رسیدن ازدواج صوری، محدود تکندیده و سن اختیار و آزادی که خانواده‌ام از من گرفته بود را بدهد و او هم در قبالتش یک سری خواسته‌های جنسی داشت. که در صورت خواندن صیغه موقت در این موضوع مشکلی نمی‌دیدم و موافقت کردم. البته از این که بگذریم من یک دخترم خط قرمزهایی برای خودم دارم ولی دلیل نمی‌شود بی‌نیاز از محبت باشم هر انسانی نیاز به آغوش و نوازش دارد این را انکار نمی‌کنم. بعد از مدتی فهمیدم خصوصیات عجیب و غریبی دارد و برای من ادای آدم‌های غیرتی را درمی‌آورد بعد از چند بار گفت‌وگو متوجه شدم آدمی نیستم که از عهده‌ی کمک کردن به من بریاید و تمام.

نفر دوم کسی بود که دوستم معرفی کرده بود قرار شد با هم آشنا شویم همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت اما کند و آهسته همه چیز را برنامهریزی کردیم و آماده بودیم که خانواده‌ها را در جریان قرار دهیم. چندین ماه در این موضوع فرو رفته بودم که موقعی‌هایی که داشتم را نمی‌دیدم و در گذشته مانده بودم. چند باری احساس کردم کسی که برای این کار انتخاب کردم در بعضی از موارد به من دروغ می‌گوید و یک جای کار می‌لنگد برای همین یک شب تصمیم گرفتم همه چیز را به هم بزنم. بعد نشستیم و به کارهایی که در این مدت انجام دادم فکر کردم و به این نتیجه رسیدم شاید در انتخابم اشتباه کردم ولی حالا فکر می‌کنم مثل قبل دیگر میلی به این کار ندارم. نمی‌دانم شاید یک مدت که بگذرد باز به قول معروف فی‌ال‌یاد هندوستان کند به هر حال فعلا هیچ تصمیمی ندارم و زندگی کنکاوخت پیش می‌رود.

عکس خبر



شهاب مرادی سخنران همایش ازدواج سالم - عکس: مجید افشار



آغاز کاشت نخل در بلوار خلیج فارس - عکس: شهرداری گراش



تقدیر از پرستاران نمونه به مناسبت روز پرستار - عکس: مجید افشار



با برگزاری جلسه ۹۹۹، انجمن شاعران و نویسندگان گراش به پایان رسید.

یک زندگی

راحله بهادر

زندگی زنی که سرطان او را امیدوارتر کرد نجمه از دل مرگ زندگی آورد



راحله بهادر

داشت: «در کرمان پروتودرمانی می‌شدم و در تمام طول هفت ماه بارداری نمی‌دانستم باردارم. دکترها گفته بودند بسا این بیماری دیگر نمی‌توانم باردار شوم و وقتی فهمیدم حامله‌ام، شوک بزرگی برابم بود». بعد از جواب سونوگرافی، باردار بودن نجمه قطعی می‌شود.

حالا باید تصمیم بزرگتری می‌گرفت. برای زندگی آدمی که در بدن همین مادر، در کنار بیماری است و زنده نگه داشتن یکی در گرو مرگ دیگری است. روزهای سخت برای نجمه، بار تصمیم‌گیری در مورد زندگی انسان دیگری را هم اضافه می‌کند. او می‌گوید: «دکتر جواب آزمایش سونوگرافی را نگاه می‌کرد. لحظات نفس‌گیری بود. نمی‌دانستم جواب چه می‌تواند باشد. ازم پرسید چند تا بچه دارم و آیا می‌خواهم دوباره حامله شوم. نمی‌توانستم لب از لب بردارم. گفت معجزه‌های رخ داده و

دلبستگی آدمیزاد به زندگی در لحظاتی بیشتر جان می‌گیرد؛ انگار آن حس ناخودآگاه و نامرئی به‌یکباره بزرگ‌ترین آرزو می‌شود و از دل روزمرگی‌ها، نفس کشیدن ارزشمندتر می‌شود. روپارویی زندگی و مرگ، در بیماری‌های سخت، جنگ بین بودن و نبودن است. بیماری دشمنی می‌شود که از درون باید با آن مبارزه کنی و گریزی از آن نیست. نجمه ساکن جیرفت در استان کرمان است. لهجه‌ی کرمانی نجمه، بسا کلماتی که رنگ سختی و رنج بسیار دارد، برابم از او قهرمانی غریب می‌سازد. این آدم‌ها فقط می‌چنگند تا همین جنگیدن از آنها قهرمان بسازد.

شروع این داستان از زبان او اینگونه است: «مادر شوهرم مبتلا به بیماری سرطان بود که درگذشت و من تنها چند روز بعد از فوت او فهمیدم این بیماری را دارم. در ۲۹ سالگی فهمیدم به سرطان سینه مبتلا هستم. الان سی سال دارم. آن موقع یک پسر و یک دختر داشتم. یک روز معمولی، در سینما احساس درد داشتم. به بیمارستان رفتم و سونوگرافی انجام دادم. به من گفتند یک توده‌ی مشکوک داری و باید دکتر جراح شما را ببیند. با عمل جراحی توده را برداشتمند. اما انگار ماجرا به همین جا ختم نمی‌شد. جواب پاتولوژی می‌گفت توده مشکوک است. در جیرفت رفتم اتاق عمل و سینمام را برداشتمند.»

نجمه چند لحظه سکوت می‌کند. می‌گوید: «آن موقع بزرگ‌ترین اشتباهم این بود که در جیرفت دنبال کارهای پزشکی‌ام رفتم. حتی به کرمان رفتم. شاید اگر جای بهتری می‌رفتم، نیاز نبود سینمام جراحی شود. بعدها دکتر عبداللّهی هم همین را گفت.»

اما مادر طبیعت داستان دیگری برای نجمه

خبر

۹۰ درصد متهمان مشروب جوانان و نوجوانان هستند

گسترش استعمال مشروب‌خواری به حدی رسیده است که بخشی از جلسه کارگروه آسیب‌های اجتماعی به این موضوع اختصاص پیدا کرد. بر اساس آمار رییس دادگاه گراش، ۱۵ درصد احکام زنان به خاطر حمل و نگهداری مشروبات الکلی است. محکومانی که بیشتر آن‌ها جوان و نوجوان هستند. رییس دادگاه گراش در جلسه کارگروه آسیب‌های اجتماعی روال قضایی را برخورد شدید با جرایم مرتبط با مشروبات الکلی دانست: «ما در رابطه با مشروبات الکلی به شدت برخورد می‌کنیم. مشروبات بعد از جرم سرعت، بیشترین درصد زندانی‌های ما را تشکیل می‌دهد. نزدیک به ۱۵ درصد زندانی‌های ما بابت همین بزه حمل و نگهداری مشروبات الکلی است. این جرایم بیشتر از ۹۰ درصد توسط قشر نوجوان و جوان رخ می‌دهد.»

رییس دادگاه گراش گفت: «بر اساس ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ مجازات برای مشروبات الکلی دست‌ساز و سنتی داخلی بین شش ماه تا یک سال حبس به علاوه شلاق تا ۲۴ ضربه و به علاوه پرداخت جزای نقدی معادل ۵ برابر ارزش مشروبات الکلی مشکوفاه است. مبنای محاسبه سال ۹۷ برای هر لیتر مشروبات الکلی داخلی لیتری ۷۵ هزار تومان تعیین شده است که اگر از کسی صد لیتر مشروب کشف کنند، فقط جریمه آن سه میلیون و ۷۵۰ هزار تومان می‌شود. در مورد مشروبات خارجی، مجازات از نظر حبس و جریمه سنگین‌تر است و مشمول قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌شود.»

روان‌بین مجازات شلاق برای شرب خمر را قطعی دانست: «در جرایم مستوجب حد که شرب خمر هم از جرایم مستوجب حد است، حدود بر اساس شرع و قانون اجرا می‌شود و قاضی نمی‌تواند ذره‌ای کم یا زیاد کند. شرب خمر مجازات ۸۰ ضربه شلاق حدی دارد.»

زندگی خطر مشروبات الکلی چند سالی است به صدا در آمده است. گاهی جاده‌ی مستی به جای یک شب به ظاهر خوش، به مرگ واقعی می‌رسد. در یک سال گذشته مشروبات الکلی هم مرگ در اثر دعوا را در پی داشته است و هم مرگ به دلیل انحراف خودرو. گویا مشروبات الکلی به عنوان یک معضل جدی پذیرفته شده است، اما راه حل چیست؟

آگهی مزایده

آگهی مزایده شهرداری گراش

شهرداری گراش به استناد مجوز شماره ۵۹۰ مورخ ۹۶/۱۰/۲۷ شورای اسلامی شهر گراش در نظر دارد اموال غیرمنقول خود اعم از ساختمان، مغازه و غرفه و فضای پارک‌ها را از طریق مزایده به اشخاص واجد شرایط اجاره دهد. لذا از کلیه متقاضیان با شرایط ذیل جهت شرکت در مزایده دعوت به عمل می‌آید.

مبلغ سپرده شرکت در مزایده هر مورد اجاره معادل ۵ درصد قیمت پایه مندرج در اسناد مزایده می‌باشد که می‌بایست به حساب سپرده این شهرداری به شماره ۰۱۰۵۵۹۸۰۳۳۰۰۶ نزد بانک ملی واریز و رسید یا ضمانتنامه بانکی معادل آن ارایه گردد.

متقاضیان می‌بایست بابت حواص فیش واریزی یا ضمانتنامه شرکت در مزایده، برگ پیشنهاد قیمت و مدارک صلاحیت را تا پایان مهلت مقرر در دبیرخانه شهرداری ثبت و به امور مالی تحویل نمایند.

شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات معتار است.

در صورتی که برندگان اول تا سوم حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

به پیشنهادات مخدوش یا فاقد ضمانت شرکت در مزایده و بعد از موعد مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.

جزئیات و شرایط هر یک از موارد اجاره در اسناد مزایده مندرج است و متقاضیان می‌بایست جهت دریافت جزئیات و اسناد مزایده به امور مالی شهرداری مراجعه نمایند.

تاریخ درج آگهی نوبت اول: ۹۷/۱۰/۱۲
تاریخ درج آگهی نوبت دوم: ۹۷/۱۰/۲۰
آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ۹۷/۱۰/۳۰
تاریخ بازگشایی پاکت‌های پیشنهادات: ۹۷/۱۱/۱

فرآیند ارائه خدمات مشاوره ازدواج (طرح بهارنغم)

- مراجعه زوجین به دفتر ازدواج یا شناسنامه و عکس
- دریافت معرفی نامه انجام آزمایشات از دفتر ازدواج
- مراجعه زوجین به آزمایشگاه مرکز خدمات جامع سلامت محمد رسول الله (ص) واقع در خیابان درمناگه
- انجام نمونه گیری آزمایشات از زوجین ساعت ۷:۳۰ الی ۸:۴۵
- مراجعه زوجین به مرکز خدمات جامع سلامت سعادت جهت شرکت در کلاس های آموزشی و دریافت منابع کمک آموزشی از ساعت ۹:۰۰ صبح
- دریافت نتایج آزمایشات توسط همراهان و مراجعه جهت تایید آن به مطب پزشک مشاوره ژنتیک از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۲ مطب جناب آقای دکتر حسینی واقع در بلوار سپاه
- ارائه کواهی شرکت در کلاس های مشاوره ازدواج به زوجین توسط سرکارخانم فرج پور در مرکز خدمات جامع سلامت سعادت
- ارائه نتایج کلیه آزمایشات و معرفی نامه دفتر ازدواج به مشاور ژنتیک سرکارخانم فرج پور در مرکز خدمات جامع سلامت سعادت
- تایید نهایی فرم مجوز ازدواج توسط مسئول محترم مرکز خدمات جامع سلامت سعادت
- ارائه مجوز به دفتر ازدواج

گروه سلامت جمعیت، خانواده و مدارس

چهارشنبه علی اکبر و اصغر خیال‌ناش

فقدان پدر بزرگوارتان ما را سخت اندوهگین ساخت. غفران و رحمت الهی برای آن عزیز از دست رفته و سلامتی و طول عمر با عزت برای شما از پروردگار متعال خواهیم.

کانون فرهنگی مذهبی رواب آفتاب

جناب آقایان خسرو، مسعود و فرهاد بهادر

و فامیل‌های وابسته

مشیت الهی بر این تلقی گرفته که بهار فرحناک زندگی را خزان مآتمزه به انتظار بنشیند و این، بارزترین تفسیر فلسفه آفرینش در فرخناک بی‌کران هستی و یگانه راز جاودانگی اوست.

درگذشت پدر گرامتسان رابه شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده؛ برایشان از درگاه خداوند متعال مغفرت، برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل خواهیم.

نعل زاهدی، اکبرفرز و حسین سعادت

بازگشت همه به نور اوست

بدینوسیله از همه ی سروران ارجمندی که در مراسم تشییع، خاکسپاری و مجالس ترحیم شادروان

سلیمان حسینی

(پدر برق گراش)

شرکت فرموده. که ما را مروهون الطاف خود قرار داده و یا عزیزانی که با تماس تلفنی از شهرهای گراش، شیراز، خفر و کراده و کشورهای حوزه خلیج فارس که با نصب بنر و تماس تلفنی ابراز لطف و همدردی فرموده اند قدردانی و تشکر به عمل می‌آید.

خانواده های داغدار: حسینی، اوسه، شمسالدی، ججاری، خوشای، پرورنده، آذربان، شمسی، عسکر پور، مهدوی و فامیل‌های وابسته

جناب آقایان خسرو، مسعود و فرهاد بهادر

و فامیل‌های وابسته

درگذشت زنده یاد حاج رضا بهادر که یادش همیشه با ماست، تلخ و باورنکردنی بود. دعای خیر ما بدرقه آن پدر مهربان است و عاقبت به خیری آزوی ما برای شما فرزندان برومندش

حاج علی و حاج رضا و حمزه و طاهر و سید علی و سید علی

افسانه گراش

فرهنگی - اجتماعی - مذهبی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: پیمان بهادری
شورای سیاست گذاری: صادق رحمانی، محمدعلی شامحمدی، محمد خواجه پور، مسعود غفوری
سر دبیر: محمدعلی شامحمدی
مدیر تحریریه: محمد رستم پور
بخش اداری: فاطمه صحرگرد

خبرنگاران:

فاطمه یوسفی، شیدا شرقی، حجت عابدی، مجید افشار
نشانی گراش: خیابان امام (ع) ساختمان جاری طبقه زیرین. دفتر موسسه فرهنگی هفت برکه تلفکس دفتر: ۵۲۴۴۹۹۷۰-۰۷۱
پیامک و شبکه های اجتماعی: ۰۹۳۷۴۹۰۹۶۰۰
email: gerash@gmail.com
صفحه آرای: هرمز کامپیوتر
چاپ: کوثر لارستان

افسانه های ما

نشریه افسانه گراش بعد از وقفای شش ماهه روبروی شمس است. البته ارتباط ما با شما در این مدت قطع نشده بود و روزانه ۱ تا ۵ خبر در سایت و کانال گریشتا منتشر می شد. مشکلات حوزه کاغذ و چاپ بر همه فرهنگ دوستان آشکار است. بخشی از دلایل تاخیر در انتشار به این موضوع بر می گردد و بخشی دیگر تمرکز بر انتشار سریع اخبار در فضای مجازی بود. این دو عامل باعث شده است که از شماره آینده یک بازبینی کلی

در مورد افسانه گراش داشته باشیم و از شماره بعد ساختار افسانه به صورت کامل تغییر خواهد کرد. نشریات چاپی روزگار سختی را می گذارند اما همچنان تداوم انتشار آن ها یک ضرورت است و ما به احترام مخاطبانی که همچنان بوی کاغذ را ترجیح می دهند یا به هر دلیل به فضای مجازی دسترسی ندارند به این شکل نیز اخبار را منتشر می کنیم تا وقتی شرایط دوباره دیگرگون شود.

خبر فردا

گریشتانگ اولین جشنواره دوبله فارس

جشنواره گریشتانگ روز پنجشنبه چهارم بهمن ماه ۱۳۹۷ با شرکت ۶۱ اثر دوبله، گویندگی و پادکست در گراش برگزار خواهد شد. برنامه های این جشنواره در سه نوبت صبح و عصر و شب برگزار می شود: صبح پنجشنبه از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۳ سه کارگاه با حضور سه داور جشنواره ترتیب داده شده است. عصر پنجشنبه، تعدادی از آثار پذیرفته شده در جشنواره به نمایش عمومی گذاشته خواهد شد. بخش دو انیمیشن دوبله شده توسط هنرجویان کلاس های دوبله در آموزشگاه هنرهای نمایشی هفت برکه، و بحث و تبادل نظر درباره آثار رسیده به جشنواره، از برنامه های دیگر در نوبت عصر است. پنجشنبه شب، مراسم اصلی مسابقه و جشن اختتامیه برگزار خواهد شد. در این نوبت، پذیرفته شدگان در بخش دوبله، در مقابل هیات داوران به صورت زنده اجرا خواهند کرد. همچنین تعداد دیگری از آثار پذیرفته شده بخش می شود. اجرای موسیقی و اهدای جوایز به برندگان جشنواره نیز از برنامه های دیگر جشن اختتامیه است.

اینستاگردی



«کتابزات عکس: محمد جهاندیده» «برق و ماشک روز بانای عکس: س. حسینی» «جاده عکس: دانیال امینزاده» «کتاب عکس: سحرلانی» «نخل عکس: مهرداد انصاری» «آبشن عکس: دانشور»

News

GerishBang Festival Promotes Dubbing in South of Fars

7Berkeh: GerishBang is the name of The First Dubbing and Radio Production Festival in the region, and most probably in Iran, which is held on January 24, 2019 in Gerash. In this festival, 61 artists and art-lovers from even counties in the south of Fars province will compete in the three main sections: podcast, dubbing and narration.

"The referees of the festival will be three well-known figures in each of these sections," says Mohammad Rostampour, the director of GerishBang Festival. Masoud Abedinnzhad, the deputy of Radio Farhang which is the second most important radio in Iran, will be the head of the jury committee.

"The special events of the festivals," Rostampour announces, "are three related workshops by the referees of the festival, the live competition of the artists in the dubbing section on the stage, and the announcement of the winners in the closing ceremony."

HaftBerkeh Art and Culture Institute and the Dubbing Association of Gerash are the producers of this festival, with the collaboration of Radio Farhang and Fars Radio Broadcasting. Mohammad Ali Shamohammadi, the managing director of HaftBerkeh, believes that this festival can promote the artistic activities related to radio and dubbing in the region. "We honestly didn't expect so much enthusiasm for participation in this festival. This shows that we need to take these areas more seriously in the future." Shamohammadi is the manager of HaftBerkeh Dramatic Arts Institution, too, which educates people in the fields of dubbing and narration from three years ago.

Dubbing: دوبله
Narration: گویندگی
the deputy: قلم مقام
the jury committee: هیات داوران
HaftBerkeh Art and Culture Institute: موسسه فرهنگی
هنری هفتبرکه
Dramatic Arts Institution: آموزشگاه هنرهای نمایشی

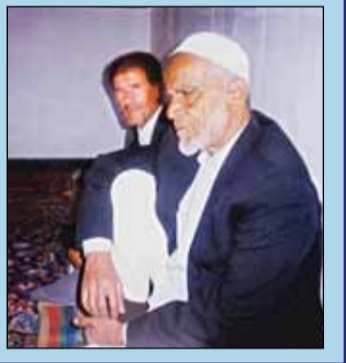
سرمقاله

بازگشت به مهاجرت

ادامه سرمقاله: سخت است از روزگار امید، به روزگار تنازع بقا رسیدن. می دانم شرایط آنقدر سخت نیست که اسم آن را «تنازع بقا» بگذاریم اما برای مردم شهر ما که جهان های دیگر را دیده اند و با یاری رسانه های اجتماعی این جهان دیدن ها غیبه برانگیزتر نیز شده است این زندگی، زندگی نیست. حالا آن ها با بازگشت به نقطه صفر دوباره باید زندگی شان را بسازند. چه کسی پاسخگوی امیدهای از دست رفته است؟ چه کسی باید در لحظه ای که تصمیم به رفتن می گیریم به ما بگوید بمان! اینجا خانه توست؟ نه روی کاغذ، بلکه در لحظه های بحرانی که در آن هستیم، چه کسی مسئول است؟

یاد

بُنگ مرتضی



صدای زیبا و ملکوتی اش سراسر محله برق روز را فرا می گرفت. حاج مرتضی صمیمی ده سال مودن مسجد دروازه گراش بود. مسجدی که حالا با نام صاحب الزمان شناخته می شود. هرچند سالهاست رخ در نقاب خاک کشیده است ولی طنین صدایش در گوش خیلی از گراشی ها به ویژه قدیمی ترهای برق روز به یادگار مانده است. حاج مرتضی قبل از این که به گردش بیاید حدود ۲۵ سال مودن مسجدی در لار بوده است. آن روزها در گراش خبری از ساختمان های بلند نبود از این رو صدای مودن تا دور دستها شنیده می شد. حتی نقل می کنند بُنگ مرتضی تا «بن کنجه» که از ارتفاعات معروف اطراف گراش است به گوش می رسیده است. بُنگ مرتضی زبانزد گراشی ها بود. بُنگ یا همان بانگ نام گراشی های اذان است.

مرحوم مرتضی این مودن نابینای گراش در انجام کارهای بسیار منظم بود و در موعد مقرر بدون کوچکترین تعللی و غیبتی اذان را می گفت. تعطیلی و تغل در کار ایمن مرد پاک خدا نبود. مرتضی علاوه بر مودن مسجد کار تعلیم نماز به کودکان را نیز بر عهده داشت. حاج مرتضی صمیمی در طول حیاتش صاحب هفت فرزند شد. چهار دختر و سه پسر، حاج محمدصمیمی و عابدی صمیمی در سال های اخیر فوت کرده اند. عبدالرضا شغل آزاد دارد و عباس هم استادکار بنا است. البته هیچ کدام از پسرها ششویه اذان گوئی پدر را دنبال نکرده اند و صدای مرتضی به یادگار نمانده است. قبل از ورود برق سراسری به گراش مرحوم مرتضی بوسیله بلندگوی دستی اذان می گفت.

سرکار خانم آشفته
تسلیم صمیمانه ما را در غم فراق
مرحوم سلیمان حسینی
پذیرا باشید! از درگاه ایزد منان برای آن عزیز سفر کرده طلب مغفرت و برای بازماندگان صبر جزیل خواهانیم.
- دبیر خانه دانشی همایش هشتین آفتاب -

جناب آقای مسعود بهادر وفا میل های وابسته
مشیت الهی بر این نعلی گرفته که بهار فرحناک زندگی را خردلی مانده به انتظار بنشیند و این، بلرزترین تفسیر فلسفه آفرینش در فرخندهای بی کران هستی و یگانه راز جوادانگی هست. در کاشت پدیر گرامیشان ریه شدا و خوقوله محترم من تسلیم مرضی مسوده برایشان از درگاه خداوند متعال مغفرت، برای شما و سایر بازماندگان صبر جزیل و اجر جزیل خواهیم. حضور: فلسفی، عبدالحسن مولایی، علی مولایی، محمدرضا نام آفر

حاج رضا بهادر
بدرینوسیله مجلس سوگ چهلمین روز در گذشت شادروان
به همین مناسبت مراسم ترحیمی در:
مکان: گراش، بندوشیخ، منزل مسعود بهادر
زمان: پنجشنبه چهارم بهمن ۱۳۹۷
از ساعت ۱۱ تا ۱۳ صبح برگزار می گردد.
مجلس زنانه همزمان در منزل آن مرحوم برقرار می باشد.

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق
جناب آقایان؛ دکتر محقق و دکتر سلطانی
از زحمات شبانه روزی و اهتمام شما در راه درمان بیماران و خدمت به مردم و همچنین بیمار وابسته به اینجانب کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.
قاسم نوروزی

همسر گرامی
آقای قاسم نوروزی
قبولی شما را در کنکور ۹۷ در رشته حقوق دانشگاه دولتی سنندج تبریک میگویم.
به امید موفقیت های بیشتر
همسرت: ش. حسینی

جناب آقای مسعود بهادر وفا میل های وابسته
خبر درگذشت حاج رضا بهادر چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می نشیند، ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره ای جز تسلیم و رضا نیست خداوند قرین رحمتش فرماید.
حاج فرامرز آب افکن - علیرضا آب افکن